

# نقش راهبردی دولت در استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت (با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری)

احمد علیرضا بیگی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۵/۳۰

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال پنجم / شماره شانزدهم - تابستان ۱۳۹۹\*۱۱۸-۸۷

## چکیده

قوه مجریه به جهت برخورداری از اختیارات قابل توجه و گستردگی وظایف در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از نقش فوق‌العاده‌ای در استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی و حقوقی برخورداری می‌باشد؛ از همین رو، بخش قابل توجهی از تدابیر و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب برای استحکام و انتظام بخشی اقتدار ملی، متوجه دولت - به‌عنوان قوه مجریه - است. این پژوهش در مقام پاسخ به این سوال است که براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری، دولت (قوه مجریه) چگونه می‌تواند در استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت جمهوری اسلامی ایران نقش داشته باشد. برای دستیابی به پاسخ این سوال در تحقیق حاضر از روش داده‌بنیاد بهره گرفته شد و یافته‌ها حاکی از آن است که نقش دولت در ساخت درونی اقتدار ملی در بعد داخلی، شش حوزه اساسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و معنوی را متأثر می‌سازد و در بعد خارجی، با فعال سازی و بهره‌مندی از منابع معنوی قدرت و امنیت، بهره‌گیری از توانمندی مادی قدرت و امنیت، دیپلماسی فعال و انقلابی، اعتمادبه‌نفس و قاطعیت در بیان اصول، اهداف، روش عملی نظام و عزت حکمت و مصلحت، می‌تواند چهره‌ای مقتدارانه از نظام اسلامی در افکار عمومی جهان ارائه دهد. در این تحقیق، مقوله‌های اولیه و ثانویه مرتبط با موضوع، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. مقوله‌های اولیه شامل باورهای ملی، باورهای ایمانی، باورهای انقلابی، ارزش‌های تحکیمی، ارزش‌های تحذیری، رفتار حکیمانه، رفتار همدلانه و هم‌زمانی بین خود و دیگران، رفتار مردمی، رفتار عادلانه، جهت حرکت آرمانی و رفتار مقاوم و با عزت است و مقوله‌های ثانویه به‌طور کلی، شامل باورها، ارزش‌ها و مقوله رفتاری می‌باشند و بررسی بیانات رهبری نشان داد که محکم کردن ساخت حقیقی

Ahmad.a.beigi@gmail.com

۱. دکترای تخصصی امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

قدرت، حیاتی ترین راهبرد نظام است.

**واژگان کلیدی:** دولت، قوه مجریه، ساخت درونی، اقتدار ملی، قدرت، امنیت، ایران

## مقدمه

استقلال در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی - دفاعی بر پایه مکتب اسلام و هویت ملی یکی از اصلی ترین اهداف انقلاب اسلامی است. چنان که اصل یک صد و پنجاه و دوم قانون اساسی اشعار می دارد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر و روابط صلح آمیز متقابل با دولت های غیر محارب استوار است. عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که حفظ استقلال همه جانبه با اندیشه اسلامی و انقلابی، راهی است که مراحل تمدن نوین اسلامی را محقق خواهد کرد. این واقعیت از یک سو و برخورداری از مزیت های نرم افزاری، توانایی قدرت سازی در حوزه های سخت افزاری و عمق راهبردی از سوی دیگر، همواره جمهوری اسلامی ایران را در معرض فشارها و تهدیدهای سخت و نرم قدرت های نظام بین الملل قرار داده است؛ با این حال، با گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و جهش قدرت راهبردی ایران در حوزه های مختلف و به دنبال آن، تغییر موازنه قوای منطقه ای، این فشارها و تهدیدها نه تنها کاهش نیافته است بلکه به شکل های مختلف افزایش یافته و پیچیده تر شده است؛ به گونه ای که موانع و محدودیت های بسیار سنگینی در روابط اقتصادی ایران ایجاد کرده و فشارهای حداکثری وارده، شرایط داخلی را نیز متأثر ساخته است. در چنین موقعیتی، استحکام و انتظام بخشی به ساخت درونی قدرت و امنیت در برابر این فشارها و چالش های همه جانبه به مسئله و دغدغه اصلی در کشور تبدیل شده است. مقام معظم رهبری در این باره تأکید می فرماید: «عاملی که می تواند کشور را در مقابل هر افزون طلبی، هر تجاوز، هر ماجراجویی و هر بحران سازی حفظ کند، استحکام و انتظام بخشی ساخت داخلی نظام است».

عوامل مختلفی در ساخت قدرت و امنیت نقش آفرینی می کنند. در این میان، دولت (قوه مجریه) یکی از نهادهایی است که به دلیل گستره اختیارات در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فناورانه و نیز حوزه وسیع تأثیرگذاری این قوه، نقشی راهبردی را در ایجاد قدرت و امنیت مستحکم برعهده دارد. در واقع، دولت از نقش و جایگاهی برخوردار است که

می‌تواند با تعمیق ارزش‌ها و هنجارهای ساخت حقیقی و حقوقی نظام از یک سو و ایجاد و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و فناوری و علمی کشور و توسعه و پیشرفت در حوزه‌های مختلف از سوی دیگر، گام بلندی را در استحکام و انتظام بخشی قدرت سیاسی بردارد؛ از این رو، مسئله اصلی این پژوهش، نقش آفرینی دولت (قوه مجریه) در تقویت ساخت اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری است.

اهمیت پژوهش حاضر در این است که استحکام و انتظام بخشی ساخت درونی قدرت و امنیت از ضروریات اساسی جمهوری اسلامی است و دولت (قوه مجریه) به‌عنوان یک بازیگر نهادی و رسمی، با توجه به گستره اختیارات و امکانات خود، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را در استحکام و انتظام بخشی قدرت و امنیت و نظام سیاسی ایفا می‌نماید و نقش قوه مجریه در این میان، بسیار برجسته است؛ از این رو، کشف مؤلفه‌های نقش قوه مجریه در ساخت استحکام و انتظام بخشی درونی اقتدار، گامی مهم برای ایفای این نقش از یک سو و تبیین تدابیر رهبر معظم انقلاب در این زمینه از سوی دیگر است. طرح این بحث از این حیث ضرورت دارد که قوه مجریه از جمله مخاطبان اصلی رهبر معظم انقلاب در استحکام و انتظام بخشی اقتدار است و با توجه به نقش تعیین‌کننده قوه مجریه در این امر، در صورتی که پژوهش‌هایی نظیر پژوهش حاضر صورت نگیرد، زوایای مربوط به نقش دولت پنهان خواهد ماند و اقدامات لازم و به‌موقع برای ایفای نقش‌های مفروض امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، سوال اصلی این پژوهش این است که براساس بیانات رهبر معظم انقلاب، دولت (قوه مجریه) چگونه می‌تواند در استحکام و انتظام بخشی ساخت درونی نقش آفرین باشد؟ در کنار این سوال، سوالات فرعی زیر نیز شکل می‌گیرد: براساس اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب، شرایط استحکام و انتظام بخشی اقتدار ملی کدام است؟ مقوله محوری یا اصلی کدام است؟ شرایط زمینه‌ساز در استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت کدامند؟ عوامل مداخله‌گر یا عوامل تسهیل‌کننده استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت کدامند؟ راهبرد استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت چیست؟ پیامدهای راهبردی این فرآیند چیست؟

### پیشینه و مباحث نظری تحقیق

مطابق فرمایش رهبر معظم انقلاب، تنها چیزی که می‌تواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند تا در برابر چالش‌ها و تهدیدهای بیرونی نفوذناپذیر باشد، استحکام و انتظام بخشی ساخت

درونی اقتدار ملی است. مطالعاتی که در زیر به آنها اشاره می‌شود، بیانگر امعان نظر محققان به عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دخیل در استحکام و انتظام‌بخشی ساخت قدرت و امنیت ملی است؛ اما در خصوص نقش دولت - با توجه به اختیارات موسعی که براساس قانون اساسی دارد - به صورت ویژه، پژوهش خاصی صورت نگرفته است.

روح‌الأمین سعیدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "رسانه و نقش آن در استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی انقلاب اسلامی؛ رویکردی گفتمانی" به بررسی چپستی نقش رسانه در امر استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی انقلاب اسلامی پرداخته است. این مقاله از حیث نظری، بر شالوده نظریه گفتمان ارنستو لاکلا و شانتال موف و نظریه هژمونی آنتونی و گرامشی استوار است و همه مباحث و استدلال‌ها و استنتاج‌ها تا انتها در همین چارچوب نظری باقی می‌ماند. نویسنده بر مبنای این استدلال نتیجه می‌گیرد که رابطه‌ای غیرمستقیم و با واسطه میان رسانه و استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی انقلاب اسلامی وجود دارد.

مؤسسه فرهنگی - هنری قدر ولایت (۱۳۸۹) در کتابی با عنوان "ساخت حقیقی و حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران" به بررسی عوامل و نقش ارزش‌های اسلامی و انقلابی و ساختارهای حقوقی در ساخت جمهوری اسلامی پرداخته است. این پژوهش بر اساس روش اسنادی است و تلاش می‌کند تا تصویری منسجم و روش‌مند از مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب در زمینه ساخت حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی ایران ارائه دهد.

اخضریان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان "عناصر قدرت‌آفرین در ساخت درونی نظام" به بررسی عوامل نقش‌آفرین در ساخت درونی نظام پراخته است. روش پژوهش او توصیفی و کتابخانه‌ای است و نتیجه گرفته است که افزایش اقتدار درون‌زای نظام، تابعی است از افزایش ظرفیت بهره‌مندی از منابع و اجزای اکتسابی قدرت و اقتدار و کاهش و رفع موانع آن و نیز شکوفاسازی ظرفیت‌های برآمده از منابع اقتدار غیر اکتسابی. بدیهی است که هرچه نظام نسبت به آنچه در این فهرست و موارد دیگری که می‌توان بر آن افزود، بی‌مهری و کم‌توجهی روا دارد، بیشتر خود را در معرض کاهش اقتدار داخلی و بین‌المللی قرار داده است.

## مبانی نظری تحقیق

### دولت

دو واژه "دولت" و "حکومت" در برخی موارد، معنای مترادف با یکدیگر دارند (اندرو، ۱۳۷۶: ۵۷). اگر دولت را «قدرت سیاسی سازمان‌یافته‌ای که امر و نهی می‌کند» تعریف کنیم، مرادف

با حکومت می‌شود. بر طبق این تعریف، دولت به معنای قوه مجریه کشور و هیئت دولت نیست بلکه به مفهوم هیئت حاکم است که قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، اجرا، قضاوت و برقراری نظم و امنیت را برعهده دارد. در این پژوهش، دولت به معنای قوه مجریه کشور و هیئت دولت مورد نظر قرار گرفته است.

### نقش

مفهوم نقش دارای دلالت‌های متعددی است که می‌تواند ناظر بر انتظار، وظیفه و مسئولیت، کارکرد و مجموعه آثار و پیامدها باشد که در اینجا به برخی از این دلالت‌ها اشاره می‌شود: نقش به معنای انتظار: بروس کوئن می‌نویسد: «نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده‌اند، انتظار دارند» (فاضل، ۱۳۸۹: ۸۰). نقش ممکن است اکتسابی باشد یا انتسابی. نقش اکتسابی نقشی است که شخص با عزم و اراده و صلاحیت شخصی خود آن را به دست می‌آورد. نقش انتسابی یا محول، شیوه ایفای نقش طبق انتظارات جامعه را گویند (نیک گوهر، ۱۳۹۴: ۲۱۲).

نقش به معنای وظیفه و مسئولیت: این معنا از نقش، عموماً بر حسب وظیفه‌ای است که به فرد یا سازمانی واگذار می‌شود و واگذارکننده انتظار دارد تا این نقش مطابق مأموریت یا وظیفه محول شده انجام پذیرد (همان، ۲۰۸-۲۱۳).

نقش به معنای کارکرد: کارکرد اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارند. در واقع، کارکرد همان اثر و نتیجه فعالیت نهاد‌های مختلفی است که جهت برآوردن یک یا چند نیاز انجام می‌گیرند (گی روشه، ۱۳۷۶: ۱۲۸-۱۲۷).

نقش دولت به دو معنی عام و خاص مورد توجه قرار گرفته است. در معنای عام، دولت، ارکان حاکمیت و از جمله قوای سه‌گانه - یعنی مقننه، مجریه و قضاییه - را در برمی‌گیرد. با توجه به مفهومی که از دولت ترسیم شد، تلاش در مسیر توسعه اقتصادی و سیاسی، وظیفه دولت به معنی عام است. قوه مجریه عامل سیاست‌ها، قوانین و برنامه‌ها بوده و نیرو، نهاد و مدیریت اجرایی کشور محسوب می‌شود. بر این اساس، قوه مجریه نه تنها اجراکننده سیاست‌ها و قوانین یا برنامه‌ها است بلکه اقامه و اعمال آنها را نیز در چارچوب نظام سیاسی در کشور برعهده دارد؛ بنابراین، اعمال سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و اجرایی کردن برنامه‌های مصوب در هر یک از بخش‌های سه‌گانه بالا در تمامی گستره‌های فروملی، ملی و حتی خارجی و فراملی برعهده دولت است.

## ساخت درونی قدرت

ساخت درونی قدرت به معنای ساخت و بنای قدرت و امنیت بر ظرفیت‌ها و قابلیت‌های داخلی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فناوری و بدون اتکا به بیرون است. چنین قدرتی، "قدرت ملی" نامیده می‌شود. ساخت درونی قدرت متشکل از اجزا و واحدهای بهم‌پیوسته‌ای است که برآیند افزایش توان هر یک از این واحدها می‌تواند منجر به تقویت مقوله اقتدار ملی در یک کشور گردد. اجزای ساخت درونی قدرت هم در حوزه‌های نرم‌افزاری و هم در حوزه‌های سخت‌افزاری با تکیه بر ظرفیت‌های بومی و توانمندی‌های داخلی قابل تعریف هستند. ساخت درونی نظام از دیدگاه رهبر معظم انقلاب به این معنی است که اجزا و عناصر نظام به‌گونه‌ای هم‌بسته، مقوم و هم‌افزا باشند که کشور بتواند روی پای خود بایستد و عزت و سرافرازی خود را بدون وابستگی به دیگران حفظ نموده و توسعه دهد. در واقع، ساخت درونی در مقام تعریف، چارچوبی را شامل می‌شود که ظرفیت‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... نهفته در آن، چه در عرصه نظری و چه در عرصه عملکرد، برگرفته از مبانی انقلاب و علل حدوث انقلاب اسلامی است که باید به‌عنوان علل بقای نظام سیاسی و بالندگی هر چه بیشتر آن ایفای نقش کند. انقلاب اسلامی با رهبری حضرت امام (ره) و با تکیه بر شعار "نه شرقی و نه غربی" در واقع، محصول پیروزی رویکرد ساخت درونی قدرت و اتکا به ظرفیت‌ها و نیروهای داخلی بوده است.

در اندیشه رهبری، ساخت قدرت دارای دو مؤلفه اساسی است: "ساخت حقیقی قدرت" که به ماهیت معنوی و نرم قدرت اشاره دارد و "ساخت مادی قدرت" که ناظر بر بعد عینی و صوری قدرت است: «آنچه مهم است، این است که نظام جمهوری اسلامی، یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن، قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی، در حکم جسم است؛ در حکم قالب است. آن هویت حقیقی، در حکم روح است؛ در حکم معنا و مضمون است. اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی خواهد داشت؛ مثل دندانی که از داخل پوک شده، ظاهرش سالم است؛ [اما] با اولین برخورد با یک جسم سخت درهم می‌شکند. آن ساخت حقیقی و واقعی و درونی، مهم است؛ او در حکم روح این

جسم است. آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزش‌ها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزای ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است» (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

به عبارت دیگر، ساخت حقیقی، گونه‌ای از قدرت است که ماهیت و عناصر آن ناظر بر مقولات ذهنی، روحی، ارزشی و اعتقادی است. از نظر بسیاری از محققان، به‌ویژه متفکران مسلمان، ساخت حقیقی قدرت، زیر بنایی و همیشگی<sup>۱</sup> است. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «قدرت ایمان، قوه اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت» (صحیفه نور، ۱۳۶۸، ۵: ۱۸۴). رهبر معظم انقلاب نیز معتقدند که «در الگوی اسلامی و معنوی، اقتدار در درجه، اول متکی به عامل معنوی و ارزش معنوی و الهی است؛ متکی است به ایمان، متکی است به اعتماد به خدای متعال، متکی است به تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و والا» (بیانات، ۱۳۸۹/۸/۱۹).

ماهیت و عناصر ساخت عینی و مادی قدرت، ناظر بر مقولات ملموس و مشاهدپذیر است. ساخت عینی و مادی در نگاه رهبر معظم انقلاب، دو گونه است: اول، ساخت عینی و حقوقی که ناظر بر ساختار و سازمان حکومت، آرایش برآمده از قانون اساسی و ظواهر قدرت است. ایشان مجلس، دولت، نهادهای حاکمیتی، قوانین و مقررات را به عنوان ساخت حقوقی نام برده‌اند. ساخت حقوقی در ادبیات و منظومه فکری امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای، اگرچه ماهیت روایی دارند، اما ارزش آنها متناسب با میزان ارتباطشان با ایده حاکمیت است؛ به‌عنوان مثال، نوع رژیم یعنی حکومت اسلامی از نظر امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، به میزان ایده حاکمیت از ارزش راهبردی برخوردار است؛ به همین جهت، حفظ آنها از اوجب واجبات شمرده شده است. دوم، ساخت عینی و فیزیکی که ناظر به عناصر مادی عینی و ملموسی مانند سرزمین، جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های اقتصاد (صنعتی، کشاورزی و...)، پیشرفت‌های علمی، فناوری‌ها و تجهیزات نظامی و فناوری‌های ارتباطی می‌باشد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عناصر ساخت درونی قدرت و امنیت دارای دو بُعد یا دو دسته کلی؛ سخت و مادی یا نرم و معنوی است. ساخت نرم از عناصری نظیر ایمان، اخلاق اسلامی، هویت، مشروعیت، مقبولیت، وحدت و انسجام ملی، توافق نخبگی، الگو سازی، پیوستگی فرهنگی و تمدنی، تعادل ارزشی و سایر مولفه‌های نرمی که می‌تواند در ساخت درونی

۱. «عناصر این استحکام، برخی عناصر همیشگی است، برخی هم عناصر فصلی است» (بیانات، ۱۳۸۹/۸/۱۹).

قدرت و امنیت دخیل باشد، تشکیل می‌شود و ساخت سخت و مادی از عواملی مانند قوای سه‌گانه، قوانین و نهادها و سازمان‌ها، اقتدار نظامی، توانمندی اقتصادی، پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک، جمعیت و نیروی انسانی، متحدان خارجی و سایر عوامل مادی که می‌توانند در ساخت درونی قدرت و امنیت مؤثر باشند، پدیدار می‌گردند.

## روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است که در آن با استفاده از رویکرد داده‌بنیاد نقش کارگزاری قوه مجریه در استحکام و انتظام‌بخشی اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته‌است. براساس این رهیافت، مفاهیم نهفته در پدیده‌ها استخراج گردید و با کشف رابطه آنها با هم، گروه‌های مفهومی شکل گرفت. درک ارتباط گروه‌های مفهومی با هم و تشخیص گروه‌های اصلی، شبکه مفهومی تحقیق را شکل داده‌است.

در این مقاله، تحلیل داده‌ها بر اساس مجموعه گردآوری شده از بیانات مقام معظم رهبری که به عنوان داده‌های ثانویه قابل استفاده‌است، انجام پذیرفته و این روند در طول مدت پژوهش، ادامه یافته‌است. این شیوه به پژوهشگر کمک می‌کند تا با تمرکز و انسجام بیشتری نسبت به تحلیل متون مربوط به بیانات مقام معظم رهبری اقدام نموده و ارتباط بهتری بین داده‌های گردآوری شده و سؤالات اصلی پژوهش برقرار سازد.

در روش داده‌بنیاد، داده‌ها از منابعی مانند مشاهده‌ها، مکالمه‌ها، مصاحبه‌ها، اسناد، مطالب روزنامه‌ها، شبکه‌های اجتماعی، سخنرانی‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، خاطرات افراد و تأملات شخصی پژوهشگر به دست آمده و پردازش می‌شوند. در تحقیق حاضر، بیانات رهبر معظم انقلاب که در وبگاه امام خامنه‌ای منتشر شده‌است، تنها منبع روش داده‌بنیاد می‌باشد. نمونه‌برداری در روش داده‌بنیاد، نمونه‌برداری نظری است که مستلزم گردآوری و تحلیل هم‌زمان ۲۵ و متوالی ۲۶ داده است. نمونه‌برداری نظری در نظریه داده‌بنیاد نیز به‌گونه‌ای است که در آن، نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که تصورات مفیدی را در راستای تولید مفاهیم حاصل نمایند. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌برداری نظری، «کفایت نظری» مقوله‌ها یا نظریه است؛ بنابراین، پایایی تحقیق حاضر، از طریق اشباع نظری حاصل شده‌است؛ زیرا نقطه اشباع نظری به تکرار داده‌ها در تحقیق می‌پردازد و این تکرار داده‌ها و نتایج حاصل از آن، در روش‌شناسی، بیانگر پایایی روش تحقیق است (کلاکی، ۱۳۸۷: ۱۲۷). تجزیه و تحلیل داده‌ها در



این پژوهش نیز بر پایه نظریه مبنایی، از طریق کدگذاری باز انجام شده است. این روش شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی می‌باشد. کدگذاری باز به مشخص کردن کدها، مفاهیم و مقوله‌ها منتهی می‌شود. کد واحد خرد تحلیل است که بر پایه آن، مفهوم‌سازی داده‌ها شکل می‌گیرد و سپس مفاهیم مشترک، یک مقوله را تشکیل می‌دهند. مقوله‌ها براساس روابط واقعی بین آنها با یکدیگر مرتبط می‌شوند و این فرآیند را کدگذاری محوری می‌نامند (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۵۸). فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبودبخشی نظریه در کدگذاری انتخابی، از طریق روش‌هایی نظیر نگارش خط داستان یا تفسیری که مفاهیم را به هم متصل می‌کند و فرآیند دسته‌بندی از طریق یادداشت‌های شخصی در خصوص نظریه‌ها انجام می‌شود.

## تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق کدگذاری باز

اولین گام در کدگذاری باز، استخراج مفاهیم یا مضامین است؛ بنابراین، در این تحقیق، با بررسی و مطالعه متن بیانات رهبر معظم انقلاب، هر یک از جملاتی که حاوی مفهوم یا مضمونی در راستای استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت بوده است، استخراج گردید. در جدول زیر، به دو نمونه از گزاره‌های منتخب از بیانات رهبری و مفاهیم یا مضامین مکشوف از درون گزاره‌های منتخب اشاره می‌شود:

مفاهیم	گزاره منتخب	نشانه‌گر
عزم راسخ مسئولان	...آنچه که جزو عناصر همیشگی (استحکام و انتظام بخشی) است، عزم راسخ است که عرض کردیم. مسئولان کشور باید تصمیمشان را در مواجهه با مشکلات حفظ کنند، عزم راسخ خودشان را محفوظ بدارند، دچار تزلزل نشوند.	۱ - ۱۳۹۲/۴/۳۰

<p>دور نشدن از اخلاق اسلامی                  فراموش نکردن عدالت                  به انزوا نکشاندن شعار عدالت                  عدم نگرش به مسئولیت                  به‌عنوان یک وسیله و مرکز                  ثروت و قدرت                  مردمی بودن مسئولان                  خدمتگزاری                  ساده‌زیستی                  خود را در سطح توده مردم                  قرار دادن                  حاکم نشدن ضعف‌های                  شخصیتی بر روابط سیاسی و                  بین‌المللی                  ایستادگی در مقابل                  تجاوزطلبی‌های دشمن                  نداشتن ضعف‌های شخصی در                  روابط سیاسی و بین‌المللی</p>	<p>اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را                  فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم،                  اگر مردمی بودنِ مسئولان کشور را دست‌کم                  گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از                  مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به‌عنوان                  یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند،                  اگر مسئله خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت                  و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی                  بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده مردم قرار                  دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛                  پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های                  دشمن فراموش شود، اگر رودربایستی‌ها، ضعف‌های                  شخصی، ضعف‌های شخصیتی بر روابط سیاسی                  و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این                  مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت                  واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف                  شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی                  کمکی نمی‌کند.</p>	<p>۲- ۱۳۹۲/۵/۶</p>
--	---	--------------------

### کدگذاری محوری

هدف از مقوله محوری، کشف رابطه بین مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده است و به محقق کمک می‌کند تا فرآیند ارتباطدهی را بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دهد (دانایی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱). بر اساس رهیافت نظام من‌دِ استراوس و کوربین (۱۹۹۸) مجموع مقوله‌های مستخرج از داده‌های خام، در قالب الگویی به نام کدگذاری محوری شامل شش جعبه یا محور به ترتیب زیر است (شماعی کویائی و اسمعیلی گیوی ۱۳۹۳: ۱۲۷):

- ۱- شرایط علی که مقوله‌هایی است مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند؛
- ۲- مقوله محوری که مقوله اصلی است و می‌توان دیگر مقوله‌ها را به آن ربط داد و به‌کرات در داده‌ها ظاهر می‌شود؛

- ۳- راهبردها، کنش‌ها و برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود؛  
 ۴- زمینه شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛  
 ۵- شرایط مداخله‌گر که شرایط زمینه‌ای عمومی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند؛  
 ۶- پیامدها که خروجی‌های حاصل از به‌کارگیری راهبردها هستند.

### شرایط علی

این مقوله موجد شرایطی است که باعث تقویت پدیده محوری می‌شود و دربرگیرنده باورها، ارزش‌ها و رفتارهای استحکام و انتظام‌بخشی است.

مفاهیم	مقوله‌های اولیه	مقوله‌های ثانویه
اصل بودن تولید داخلی تکیه بر ظرفیت‌های درونی تکیه به استعدادها و درونی عدم نگاه به بیرون امید نیستن به بیرون از ظرفیت داخلی کشور تکیه به ابتکار نیروی انسانی خود باور به استعدادهای داخلی خودباوری و اعتماد به نفس ملی رویکرد درون زای برون‌نگر	<b>باورهای ملی</b>	<b>باورها</b>
تکیه به ایمان خود ایمان صحیح و راسخ توکل به خدای متعال پیروی از ولایت ایمان به خدا و توکل بر او	<b>باورهای ایمانی</b>	
باور به حمایت از مظلوم باور به عدم اعتماد به دشمن باور به دشمنی قدرت‌های سلطه باور به آرمان‌های اسلامی عقلائیست توأم با عدالت و معنویت	<b>باوری‌های انقلابی</b>	

<p>عزم راسخ مسئولان آرامناگرایی واقع‌نگر داشتن روحیه خدمت مقاومت و ایستادگی برخورنداری از سعه‌صدر حفظ روحیه پرکاری نگاه خوش‌بینانه به استعداد بومی و درونی صبر و پایداری در برابر دشمن آرامش در قبال انتقادهای منصفانه</p>		
<p>خدمتگزاری و خدمت به خلق ساده‌زیستی قانون‌گرایی انجام کارها با صبر تهذیب اخلاق و سلامت اخلاقی در مسئولان سلامت اعتقادی در مسئولان سلامت عملکردی در مسئولان عمل درست مسئولان کشور انس با ادعیه‌ها و ادعیه صحیفه سجاده</p>	<p>ارزش‌های تحکیمی</p>	<p>ارزش‌ها</p>
<p>نداشتن ضعف‌های شخصی دچار تزلزل نشدن حاکم نشدن ضعف‌های شخصی بر روابط سیاسی و بین‌المللی دور نشدن از اخلاق اسلامی عدم نگرش به مسئولیت به‌عنوان یک وسیله و مرکز ثروت و قدرت خودداری از شتابزدگی</p>	<p>ارزش‌های تجدیری</p>	
<p>حکمت و خرد در کارها کار کارشناسی مطالعه درست ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام مضر بودن روزمره فکر کردن در مسائل اقتصادی یافتن راه حل‌های مناسب با اراده قوی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر محاسبه درست</p>	<p>رفتار حکمیانه</p>	

<p>به‌کارگیری عقل، معنویت، توکل، حرکت و عمل          اظهارنظر سنجیده          بهره‌برداری خردمندانه از امکانات و نیروهای داخلی          شناسایی امکانات و نیروهای داخلی          برداشتن گام‌ها به صورت محکم و مطمئن</p>		
<p>شنیده شدن یک صدا از دولت          پاسخ منطقی و باخونسردی دولت به انتقادات          پرهیز از انتقاد اغراق‌آمیز و تخریب          پرهیز از حاشیه‌سازی‌ها          پرهیز از دو قطبی کردن جامعه با شعارها و دعوای سیاسی          اسیر جناح‌بندی‌ها نشدن دولت و اعضای آن</p>	<p><b>رفتار همدلانه          و هم‌زبانی با          دیگران</b></p>	
<p>مردمی بودن مسئولان          خود را در سطح توده مردم قرار دادن          حفظ اتحاد آحاد مردم          حفظ و افزایش اعتماد مردم از راه بیان صادقانه و صحیح واقعیت‌ها          محول کردن امور به مردم</p>	<p><b>رفتار مردمی</b></p>	<p><b>رفتارها</b></p>
<p>فراموش نکردن عدالت          به انزوا نکشاندن شعار عدالت</p>	<p><b>رفتار عادلانه</b></p>	
<p>به سمت آرمان‌ها حرکت کردن          رعایت خطوط قرمز و خطوط فاصل          پیاده شدن و عینی شدن ارزش‌ها در جامعه</p>	<p><b>جهت حرکت          آرمانی</b></p>	
<p>روحیه استکبارستیزی          ایستادگی در مقابل تجاوزطلبی‌های دشمن          دچار انفعال نشدن در مقابل دشمن          مشروط نشدن حل مشکلات اقتصادی به رفع تحریم</p>	<p><b>رفتار مقاوم و          باعزت</b></p>	

تحلیل محتوای بیانات، رهنمودها و تدابیر رهبر معظم انقلاب به‌ویژه در جمع کارگزاران نظام نشان می‌دهد که باورها، ارزش‌ها و رفتارها سه رکن بنیادی در نقش‌آفرینی دولت برای استحکام و انتظام بخشی ساخت درونی نظام است و از نظر ایشان، موفقیت‌های نظام‌ها در گرو برخورداری از چنین پیش شرط‌هایی است؛ چراکه فرمودند: «هر دستگاهی که با معیارهای

ایمانی، تعبد و روحیه انقلابی‌گری بیشتر آمیخته است، موفقیت‌های آن در زمینه‌های مربوط به اداره کشور بیشتر است» (بیانات، ۱۳۷۹/۶/۲۶). ایشان در همین راستا به هیئت دولت این‌گونه توصیه می‌کنند: «به خدا تکیه و به او توکل کنید. اگر به کمک خداوند امیدوار باشید، قطعاً پروردگار هم به شما کمک خواهد کرد» (بیانات، ۱۳۹۳/۶/۵) و نیز خطاب به سفرا و نمایندگان سیاسی ایران می‌فرمایند: «با صحیفه سجادیه انس بگیرید. دعای پنجم صحیفه سجادیه را مکرر در مکرر بخوانید ... آنجایی که ما را به یاد مرگ می‌اندازد، آنجایی که ما را از لغزش‌ها برحذر می‌دارد، آنجایی که عظمت معنویت دستگاه الهی را، از پیغمبر و یاران و ملائکه الهی را به رخ ما می‌کشد، اینها همه‌اش برای ما استحکام و انتظام‌بخشی است. در هر میدانی، استحکام درونی برای ما تعیین‌کننده است» (بیانات، ۱۳۹۰/۱۰/۷). بنابراین، کارگزاران نظام زمانی می‌توانند در تقویت ساخت درونی نظام پیروز شوند که ضمن برخورداری از باورهای ملی، ایمانی و انقلابی قوی، جامعه و احاد ملت را نیز به این باورها مجهز نمایند؛ از همین رو، ایشان می‌فرمایند: «باید جوان را به هویت ملی و باورهای ملی خودش پایبند کرد؛ طوری که افتخار کند که ایرانی است و افتخار هم دارد» (بیانات، ۱۳۸۵/۷/۱۳). از سوی دیگر، به زعم ایشان، «مهم‌ترین نقاط ضعفی که در زمینه مسئولان وجود دارد، یکی مسئله سستی بینش و ایمان انقلابی و اسلامی در بعضی از مسئولان است. اینها مجذوب نسخه‌های سیاسی غرب هستند؛ آن هم نسخه‌های غلط از آب درآمده» (بیانات، ۱۳۸۰/۸/۱۲).

گرایش‌ها و ارزش‌ها در منظومه رهبری بسیار راهبردی است و نقشی اساسی در ساخت حقیقی قدرت برعهده دارد؛ به همین جهت، در اندیشه رهبری، تقوا در ابعاد مختلف سیاسی<sup>۱</sup>، اقتصادی، اجتماعی و فردی برطرف‌کننده بسیاری از مشکلات مادی و معنوی و عامل تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه است (بیانات، ۱۳۸۱/۵/۵)؛ پس «تنها راه رسیدن به اوج سعادت دنیوی و اخروی [دستیابی به قدرت مطلوب و لایزال] شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ و اراده مستحکم است و همه اینها متکی بر ایمان اسلامی است» (بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱).

بررسی تحلیل محتوای بیانات رهبری نشان می‌دهد که دولت باید ارزش‌های تجویزی و ارزش‌های تحذیری را در خود نهادینه کند. در میان ارزش‌ها و گرایش‌های مثبت، انصاف کارگزاران و بصیرت و عزم راسخ در برابر دشمن، کلید و رمز مستحکم کردن ساخت درونی است: «عناصر این استحکام و انتظام بخشی، برخی عناصر همیشگی است، برخی هم عناصر

۱. از نظر رهبر معظم انقلاب، تقوا و پرهیزکاری یعنی گستره وسیع عمل‌های خوب، اقدام‌های خوب، فعل‌های خوب و ترک‌های خوب. و تقوای سیاسی یعنی انسان در میدان سیاست، صادقانه، دردمندانه و از روی دلسوزی عمل کند.

فصلی است. آنچه که جزو عناصر همیشگی است، عزم راسخ است؛ که عرض کردیم» (بیانات، ۱۳۹۲/۴/۳۰). از نظر معظم‌له، نقش‌آفرینی دولت در استحکام بخشی ساخت اقتدار، مستلزم پرهیز و برحذر بودن از بد اخلاقی‌های سیاسی هم می‌باشد. به اعتقاد رهبری، «اگر ما از اخلاق اسلامی دور شدیم، اگر عدالت را فراموش کردیم، شعار عدالت را به انزوا انداختیم، اگر مردمی بودن مسئولان کشور را دست کم گرفتیم، اگر مسئولین کشور هم مثل خیلی از مسئولین کشورهای دیگر به مسئولیت به‌عنوان یک وسیله و یک مرکز ثروت و قدرت نگاه کنند، اگر مسئله خدمت و فداکاری برای مردم از ذهنیت و عمل مسئولین کشور حذف شود، اگر مردمی بودن، ساده‌زیستی، خود را در سطح توده مردم قرار دادن، از ذهنیت مسئولین کنار برود و حذف شود؛ پاک شود، اگر ایستادگی در مقابل تجاوز طلبی‌های دشمن فراموش شود، اگر رودر بایستی‌ها، ضعف‌های شخصی، ضعف‌های شخصیتی بر روابط سیاسی و بین‌المللی مسئولین کشور حاکم شود، اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند» (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۲۴).

مقام معظم رهبری بر این باور تأکید دارند که اخلاق از طریق توکل و اتکال به خداوند، خداحاضری و خداناظری، اعتماد آفرینی، صداقت گفتاری و رفتاری، اعتدال و میانه‌روی، تعهد، پایبندی و امانت‌داری، قانون‌مداری، خدمت‌گزاری، رفتارهای فروتنانه، منصفانه و عادلانه، اختلاف‌زدایی، رأفت و مهربانی، خیرخواهی، ساده‌زیستی، قناعت و مناعت‌طبع، تعاون و همدلی، انضباط اجتماعی و وجدان‌کاری، عزم و اراده راسخ، صبر، حلم و بردباری، شجاعت و ثبات قدم، عزت‌مداری و عزت‌بخشی به دیگران و ایجاد جذابیت، منابع قدرت و به‌ویژه قدرت نرم را به خروجی قدرت و امنیت و همچنین، به تحکیم و استحکام و انتظام بخشی قدرت و امنیت تبدیل می‌کند.

بخشی از مفاهیم به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، به علت رفتاری در ساخت درونی نظام اشعار دارد. در واقع، رفتار عبارت است از هر نمود، عمل و موضع‌گیری که یک شخص در زندگی مادی و معنوی از خود بروز می‌دهد. همچنین، رفتار هر فرد ریشه در تفکرات درونی او دارد. نکته اساسی این است که ارزش‌ها و نگرش‌ها در زمینه‌سازی و شکل‌دهی به رفتارها، ایجاد انگیزش‌ها، ارضای نیازها و جهت‌دهی به گرایش‌ها تأثیری جدی دارند. با وجود این، به نظر رهبری، عمل حکیمانه و داشتن سمت و سوی آرمان‌ها از سوی دولت بسیار کلیدی است.

درواقع، اگر حکمت‌ورزی بر کارگزاران و مدیران حاکم باشد، سایر مقوله‌ها نیز حاصل خواهد شد. از سوی دیگر، عطف توجه به آرمان و اهداف نیز دارای ظرفیت مفهومی است که می‌تواند بخشی دیگر از مقوله‌ها از جمله عدالت اجتماعی را در خود داشته باشد. رهبر انقلاب در مورد اهمیت خردگرایی خطاب به هیئت دولت یازدهم می‌فرماید: «یک شاخص دیگر، مسئله حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح، دارای تربیون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی می‌گذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد می‌کند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد». از همین رو، ایشان تأکید دارند: «دیدگاه‌ها و سلاقی متفاوت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، حاشیه است و خدمت به مردم، متن. اجازه ندهید حاشیه‌ها بر متن اثر بگذارد» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). آنچه در این میان، برای دولت در ساخت درونی قدرت حائز اهمیت است، این است که «قانون، ریل حرکت دولت است و اگر به هر دلیلی از آن خارج شوید، کشور و مردم صدمه می‌بینند» (همان).

از نظر رهبر انقلاب، مردم‌داری و اعتماد به مردم در کارگزاران، از اهمیتی اساسی برخوردار است و یکی از علل اصلی نقش‌آفرین در استحکام و انتظام‌بخشی است. البته به فرموده ایشان، «اعتماد مردم از راه بیان صادقانه و صحیح واقعیت‌ها حاصل می‌شود»؛ زیرا «این نظام را قشرهای محروم و متوسط - که غالب مؤمنین را اینها تشکیل می‌دهند - به وجود آوردند و از آن حمایت و دفاع کردند. اینها وفادارند و پشتیبان این نظام هم اینها هستند؛ لذا این نظام به پشتیبانی این توده عظیم مردم مؤمن، ماندنی و پایدار و با دوام است» (بیانات، ۱۳۶۹/۲/۱۲). افزون بر این، در منظومه فکری رهبری، مسئولان نباید آرمان‌ها و اهداف متعالی نظام از جمله عدالت، راه امام و ... را به فراموشی سپارند: «مسئولان و مدیران جامعه به عدالت رفتار کنند» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۶) و «هیچ کس نمی‌تواند تردید کند. باید راه و درس او را زنده نگه داریم و هدف‌هایش را، هدف‌های حقیقی و اصلی انقلاب به حساب آوریم و به سمت آنها حرکت کنیم و هدف دیگری از خودمان درست نکنیم» (بیانات، ۱۳۶۸/۳/۱۸).

### مقوله محوری

مقوله محوری در تحقیق حاضر، "نقش دولت در استحکام و انتظام‌بخشی ساخت حقیقت قدرت" است که در دیدگاه امام خامنه‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. این مقوله - یعنی نقش



کارگزاری دولت در ساخت درونی اقتدار ملی - از یک سو، به حوزه داخلی مربوط می‌شود و از سوی دیگر، مربوط به بعد بیرونی می‌باشد. در حوزه داخلی، شش مفهوم اساسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، علمی و معنوی استخراج شد. بعد خارجی نقش دولت، ارائه چهره‌ای مقتدارانه از نظام اسلامی در افکار عمومی جهان است که در این رابطه، پنج مفهوم اساسی مورد توجه است: بهره‌مندی از منابع معنوی قدرت، بهره‌گیری از توانمندی مادی قدرت، دیپلماسی فعال و انقلابی، اعتماد به نفس و قاطعیت در بیان اصول، اهداف، روش عملی نظام و عزت و حکمت و مصلحت.

### مقاله مداخله‌گر

مقاله میانجی یا عوامل مداخله‌گر برای نقش دولت، تسهیل‌کننده یا منع‌کننده تلقی می‌شود. در بررسی بیانات رهبری، عوامل مداخله‌گری که راهبردهای استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت را تحت تأثیر خود قرار داده‌است، به شرح زیر است:

#### ۱. سلامت دیوان‌سالاری و مدیریت و تصمیم‌گیری

یکی از مقوله‌های مداخله‌گر، مربوط به حوزه دیوان‌سالاری و مدیریت و تصمیم‌گیری است. در نظر رهبر معظم انقلاب، این حوزه به‌شدت نیازمند تلاش برای رفع مشکلات است؛ چنان‌که فرمودند: «باید برای سیاست‌های تحول نظام اداری، برنامه اجرایی گذاشت و آنها را عملیاتی کرد. از جمله چیزهایی که من خوب است اینجا در سیاست‌های کلی یادآوری کنم، یکی سیاست‌های تحول نظام اداری است که تصویب هم شده، ابلاغ هم شده. ما واقعاً در زمینه مسائل اداری و نظام اداری دچار مشکلات و آسیب‌های دیرپا و مزمن هستیم».

#### ۲. فساد در سیستم

فساد در سیستم یکی دیگر از عناصر مداخله است که ایشان در دیدار با همه دولت‌های دوران زعامت خویش به آن توجه نموده و آن را مهم‌ترین مانع و سبب زوال ساخت حقیقی قدرت داشته‌اند. به‌عنوان نمونه، ایشان در سال ۱۳۷۲ در مراسم تنفیذ حکم دومین دوره ریاست جمهوری حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، با اشاره به اینکه خطر نفوذ فساد جدی و فلج‌کننده است، می‌فرمایند: «با اعتقاد بد و نادرست، این‌طور مقابله نمی‌شود که با عمل غیرصحيح و عمل غیراخلاقی و خدای ناکرده، رسوخ فساد مبارزه می‌شود». همچنین، در دیدار با هیئت دولت در سال ۱۳۷۴ از لزوم مبارزه با فساد و جلوگیری از اقدام افرادی که در مجموعه

دولت، قصد ایجاد اخلال دارند، به‌عنوان یکی از وظایف مهم دولت یاد می‌کنند. در اردیبهشت ۱۳۸۰ نیز معظم‌له فرمان ۸ ماده‌ای معروف خویش را در رابطه با مبارزه با مفاسد اقتصادی به رؤسای قوا ابلاغ نمودند. ایشان همچنین، در مراسم تنفیذ دومین دوره ریاست‌جمهوری حجة‌الاسلام خاتمی، از لزوم مبارزه مسئولان از جمله رئیس‌جمهور با مفاسد مالی و اقتصادی یاد می‌کنند و یکی از مسئولیت‌های مسئولان را همین امر می‌دانند. در دولت آقای احمدی نژاد نیز ایشان در اولین دیدار در ۱۳۸۴ لزوم مبارزه با فساد اقتصادی را یکی از وظایف بسیار مهم دولت برمی‌شمردند. این موضوع در دولت حجة‌الاسلام روحانی نیز مورد هشدار و انذار رهبری قرار گرفت. ایشان در بیانات خود در جمع هیئت دولت در ۱۳۹۳/۶/۶ فرمود: «شاخص بعدی، سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد است. ببینید منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدین‌اید و سطح بالا هستید و مقاومت می‌کنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پایین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیر بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آن‌چنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود». بنابراین، همان‌طور که فساد سیاسی، اداری و اقتصادی از درجه مشروعیت و اثربخشی دولت‌ها می‌کاهد و آنها را با بحران مشروعیت و مقبولیت مواجه می‌سازد، دوری از فساد نیز می‌تواند بر استحکام و انتظام‌بخشی سیاسی بیافزاید: «وجود و رواج مفاسد اقتصادی یکی از بزرگ‌ترین خطرها پیش این است که عناصر خوب دستگاه‌ها را متزلزل می‌کند، زیر پای آنها را سست می‌کند» (بیانات، ۱۳۸۷/۵/۴).

### ۳. شکاف فقر و غنا

یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر در اندیشه رهبری، شکاف فقر و غنا است. این موضوع نیز در گفتگو با همه دولت‌ها از سوی ایشان مورد پیگیری قرار گرفته‌است؛ به‌عنوان نمونه، ایشان در سال ۱۳۷۹ در جمع مردم اراک، مبارزه با فقر، فساد و تبعیض را به‌عنوان مهم‌ترین بخش اصلاح کشور برشمردند. به عقیده ایشان، جامعه بدون تبعیض و بر خوردار از عدالت اجتماعی و به دور از فقر، شرایط محیطی مطلوبی است که باید توسط کارگزاران مهیا و ایجاد شود: «مسئولان و مدیران جامعه به عدالت رفتار کنند. ثانیاً خود جامعه، جامعه عادلانه باشد. عدالت مخصوص مدیران نیست؛ آحاد مردم هم باید نسبت به یکدیگر عدالت داشته باشند و آنگاه جامعه، جامعه

پیشرفته‌ای باشد» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۶) معظم‌له همچنین، در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی می‌فرماید: «عدالت با تعارف درست نمی‌شود. اولاً قاطعیت می‌خواهد، ثانیاً ارتباط با مردم می‌خواهد، ثالثاً ساده‌زیستی و مردمی بودن لازم دارد و بالاتر از همه، خودسازی و تهذیب می‌خواهد. این هم جزو پیش‌شرط‌ها و پیش‌نیازهای اجرای عدالت است. اول، باید خودمان را درست کنیم و یک دستی به سر و صورت خودمان بکشیم تا بتوانیم عدالت را اجرا کنیم» (بیانات، ۱۳۸۵/۳/۱۹).

#### ۴. کاهش کارگزاران پاک دست

کاهش کارگزاران پاک‌دست در دستگاه‌های اجرایی کشور، یکی دیگر از عوامل مداخله‌گر است و وضعیت ساخت حقیقی قدرت را با تزلزل مواجهه می‌سازد؛ به همین جهت، رهبری فرمودند: «در دستگاه‌های اجرایی، اکثریت کارکنان، کارکنان زحمت‌کش و پاک و سالم‌اند؛ اما وقتی که یک مورد، دو مورد، ده مورد انسان‌های ناپاک و ناسالم در یک دستگاهی حضور پیدا می‌کنند، مثل میکروب، مثل موریانه آنجا فعالیت می‌کنند، زحمت این مجموعه خدمتکار و زحمت‌کش واقعاً ضایع می‌شود و هم بدنام می‌شوند، هم زحماتشان از بین می‌رود. [فساد] محیط، اطمینان را از بین می‌برد» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶).

#### ۵. ناآرامی محیطی و دشمنی‌های بیرونی

عامل بعدی مداخله‌گر مورد اشاره رهبری، ناآرامی محیطی و دشمنی‌های بیرونی است. به نظر رهبر معظم انقلاب، فهم درست دولت از این نکته که از ناحیه دشمنان، در چه شرایط امنیتی یا خصومتی قرار دارد، بسیار مهم است: «شرایط امروز، من متأسفانه می‌بینم که کسانی طبق خواسته آن دشمنان تبلیغ می‌کنند که این توهم است! دشمن همین را می‌خواهد که مردم، مسئولان، کارگزاران حکومت، اداره‌کنندگان کشور و طراحان و قانون‌گذاران امور زندگی مردم، از تهدید دشمن غفلت کنند» (بیانات، ۱۳۸۰/۳/۱۴) و نیز می‌فرماید: «مسئله فتنه و فتنه‌گران، از مسائل مهم و از خطوط قرمز است که آقایان وزرا باید همان‌گونه که در جلسه رأی اعتماد خود بر فاصله‌گذاری با آن تأکید کردند، همچنان بر آن پای‌بند باشند» (بیانات، ۱۳۹۳/۶/۵). بنابراین، از نظر رهبر معظم انقلاب، برای یک ملت، هیچ عاملی مضرتر از اختلاف و تفرقه نیست: «سم مهلک برای ملت‌ها و تمدن‌ها و انقلاب‌ها، اختلاف است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۱۰).

## مقوله زمینه‌ای

مقوله زمینه‌ای به شرایط خاصی اطلاق می‌شود که بر کنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارند؛ بنابراین، زمینه یا بستر ناظر بر فضای حاکم بر تعاملات بین افراد است. این شرایط را مجموعه‌هایی از مفاهیم و مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. همچنین، این مقوله به وضعیت حاکم بر محیط نقش دولت بر می‌گردد که متأثر از فضای حاکم بر جامعه است. موقعیت زمینه‌ای دربرگیرنده مفاهیمی است که بر راهبردهای دولت در استحکام و انتظام‌بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت تأثیر می‌گذارد. تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب نشان داد که این مفاهیم ناظر بر مقوله‌های زیر هستند:

### ۱. قانون‌گرایی

مقوله قانون‌گرایی دارای ویژگی‌هایی نظیر رعایت اسناد بالادستی، رعایت سیاست‌های کلی نظام، رعایت مصوبات شوراهای عالی و... است. به‌عنوان نمونه، معظم‌له در اولین دیدار هیئت دولت حجة الاسلام خاتمی، ضمن ابراز خرسندی از شعار «قانون‌گرایی» که توسط آقای خاتمی مطرح شده بود، از دولت می‌خواهند که تا آخرین لحظه به این شعار پای‌بند باشند و آن را حفظ کنند: «خب! قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است».

### ۲. وحدت بین مسئولان

وحدت بین مسئولان زمینه دیگری است که در راهبردهای استحکام و انتظام‌بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت درونی نظام دارای اهمیت است؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب تأکید نمودند: «باید مراقبت شود تا در سخنان مسئولان دولتی تعارض وجود نداشته باشد و فلسفه تعیین سخنگو هم این است که از دولت صدای واحد در مسائل مختلف شنیده شود».

### ۳. یکی بودن گفتار و عملکرد

مقام معظم رهبری در تبیین این مهم می‌فرمایند: «محبت و اعتماد مردم، از راه بیان صادقانه و صحیح واقعیت‌ها حاصل می‌شود» (بیانات، ۱۳۷۰/۵/۲۳). درحقیقت، باورمندی مردم به انطباق گفتار و کردار و یا مشاهده دوگانگی حرف و عمل، نتایج مثبت و منفی را بر استحکام و انتظام‌بخشی نظام سیاسی وارد می‌کند. یعنی اگر توده‌ها تطابق قول و فعل نخبگان سیاسی و هم‌نوایی و مردمی بودن آنان را با عمق وجود خویش باور نمایند و نخبگان را از خود و در خدمت منافع خویش بپندارند، سرمایه تسخیرناپذیر امنیتی برای نظام فراهم می‌آورند که در

خطرترین شرایط ناامنی، بیشترین ضریب امنیت را مهیا خواهد نمود، اما دوگانه‌پنداری گفتار و کردار مسئولان نظام، موجب ضعف و زوال اعتماد عمومی و رقیق‌تر شدن لایه‌ها و سپر امنیتی نظام خواهد شد (صحیفه نور، ۱۳: ۴۸۸).

#### ۴. فرصت‌های مسئولیتی

فرصت‌های ۴ یا ۸ ساله دولت‌ها برای اداره کشور، از جمله زمینه‌هایی است که چنانچه دولت‌ها نتوانند به خوبی از آن بهره‌برداری نمایند، به ساخت درونی نظام ضربه خواهد خورد: «به همه دولت‌های قبلی نیز گفتم که فرصت ۴ یا ۸ سال مسئولیت، به سرعت می‌گذرد؛ اما همین مدت محدود، شامل فرصت‌های بی‌پایان برای خدمت به ملت است که نباید هیچ‌کدام را از دست داد» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶).

#### مقاله راهبردی

مقاله راهبردی در اصل، راه‌های رسیدن به پیامدهای موردنظر از طریق نقش‌آفرینی دولت در ساخت درونی اقتدار نظام است. وظایفی که برعهده دولت گذاشته شده‌است و جنبه راهبردی دارد، مشمول این طبقه‌بندی می‌شود. براساس تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب، راه‌های مختلفی برای دولت وجود دارد که ساخت درونی قدرت ملی را مستحکم و تقویت نماید. این راه‌ها یا راهبردها عبارتند از: مقاوم‌سازی، حمایت از تولید، حمایت از دانش بومی، پرهیز از واردات بی‌رویه، رویکرد و مدیریت جهادی، افزایش کارآمدی خود و نظام، داشتن روحیه تعاون و همکاری، ایجاد جامعه مرفه و عادلانه، اتخاذ دیپلماسی انقلابی، تدبیر برای اعتلای ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و انقلابی و نظارت و مراقبت بر همه دستگاه‌های زیر مجموعه.

#### ۱. مقاوم‌سازی

یکی از راهبردهایی که رهبر معظم انقلاب در خصوص نقش‌آفرینی دولت در تقویت ساخت درونی قدرت ملی مورد تأکید قرار داده‌اند، مقاوم‌سازی اقتصاد است. از نظر معظم‌له، در شرایط کنونی، یکی از مولفه‌هایی که باید در اولویت استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی قرار گیرد، توانمندسازی اقتصاد با راهبرد اقتصاد مقاومتی است: «اقتصاد و علم را در اولویت قرار دهید و با مهار تورم، تأمین نیازهای اساسی مردم، رونق تولید و ایجاد تحرک و آرامش در عرصه اقتصادی، امید مردم به آینده را استمرار و افزایش دهید» (بیانات، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶) و نیز: «دولت باید بسته سیاست‌های اقتصادی خود را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تطبیق دهد و مواردی

را که غیرمنطبق با این سیاست‌ها است، حذف کند» (بیانات، ۱۳۹۳/۶/۵). در همین راستا، به عقیده معظم‌له، مردمی کردن امور از پایه‌های مهم به‌شمار می‌رود: «در هر کاری که مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور، امور را به مردم محول کردند، این کار موفق شد، این کار پیشرفت کرد. این یک تجربه است؛ این را باید ما یاد بگیریم. مکرر این را ما گفته‌ایم. یک وقت نگاه تنگ‌نظرانه است و مسئول دولتی انحصاراً کار را در دست می‌گیرد؛ این کار می‌ماند، متوقف می‌شود؛ [اما] کار وقتی داده شد به نیروی عظیم و بی‌پایان مردم، با انگیزه‌هایشان، با توان‌های مادی و معنوی‌شان، آن وقت کار رشد پیدا می‌کند، شکوفایی پیدا می‌کند» (بیانات، ۱۳۹۳/۰۲/۱۵).

## ۲. حمایت از تولید

یکی دیگر از نقش‌های دولت، حمایت از تولید و توجه ویژه به بخش‌های کلیدی در حوزه اقتصادی است: «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، عبارت است از تقویت تولید داخلی؛ اگر این کار تحقق پیدا کرد و همت‌ها متوجه به این مسئله شد، مسائل کار به تدریج حل می‌شود، کار ارزش پیدا می‌کند، کارگر ارزش پیدا می‌کند، اشتغال عمومی می‌شود، بیکاری که یک معضلی است در جامعه به تدریج کم می‌شود و از بین می‌رود. اساس کار، مسئله تولید است» (بیانات، ۱۳۹۴/۲/۹). در این راستا، رهبر انقلاب بر این باورند که «صنایع بخش کشاورزی، یکی از بخش‌های راهبردی است که در همه کشورها به آن کمک ویژه می‌شود و دولت باید به بخش کشاورزی مساعدت ویژه‌ای داشته باشد» (بیانات، ۱۳۹۳/۶/۵).

## ۳. مدیریت جهادی

مدیریت جهادی نیز یک راهبرد کلیدی است که رهبر معظم انقلاب بر خورداری از آن را برای همه دستگاه‌ها ضروری و لازم می‌دانند. در واقع، مدیریت جهادی دارای ویژگی‌هایی است که نقشی کلیدی را در آشکارسازی مؤلفه‌های استحکام و انتظام‌بخشی ساخت اقتدار دورنی ایفا می‌نماید. این مختصات عبارتند از:

الف. بُعد ساختاری که دارای مؤلفه‌هایی نظیر مدیریت برای خدا، مدیریت ولایتی، انعطاف‌پذیری ساختار، تشکیلات مناسب با شرایط است؛

ب. بُعد رفتاری که دارای مؤلفه‌هایی نظیر خودباوری، پرکاری، تحول‌آفرینی، پویایی، سخت‌کوشی، سرعت عمل در کارها است؛

ج. بُعد زمینه‌ای که دارای مؤلفه‌هایی نظیر مشارکت‌پذیری، قناعت، نهادینه‌سازی اخلاق و ارزش‌های دینی در محیط کار و اهمیت به بیت‌المال است (یاراحمدی خراسانی، ۱۳۹۳).

وجود چنین ویژگی‌هایی رهگشای مشکلات دشوار و رمز عبور از موانع است. بنا به تعبیر مقام معظم رهبری، «اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرت‌های جهانی، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد». در واقع، از نظر رهبر انقلاب، مدیریت جهادی ضمانت‌بخش کارآمدی نظام نیز می‌باشد؛ زیرا مدیریت جهادی با برخورداری از دانش، عقلانیت توأم با عدالت و عزم راسخ، هم می‌تواند موانع و مشکلات را از سر راه بردارد و هم می‌تواند به انتظارات و خواسته‌های جامعه پاسخ دهد. مقام معظم رهبری سه رکن بزرگ افزایش کارآمدی را این‌گونه برمی‌شمرند: «ما باید این کارآیی را افزایش بدهیم؛ با علم، با عقل، با عزم؛ سه تا "عین". عالمانه باید باشد، عاقلانه باید باشد، عازمانه باید باشد. باید با عزم همراه باشد؛ با سست‌عنصری و سست‌عهدی نمی‌شود پیش رفت. علم و عقل را به کار بگیرند و عزم ملی را مثل موتوری پشت سر اینها قرار بدهند» (بیانات، ۱۳۸۰/۶/۱۵).

#### ۴. نظارت و مراقبت بر دستگاه‌ها

راهبردهای استحکام و انتظام‌بخشی تنها در پیشرفت به معنای توسعه خلاصه نمی‌شود؛ زیرا به فرموده ایشان، «ما در پی پیشرفت و یا به تعبیر رایج، توسعه هستیم؛ اما قطعاً این پیشرفت باید با عدالت همراه باشد و گرنه جامعه مانند کشورهای غربی دچار شکاف و تبعیض و نارضایتی خواهد شد» (بیانات، ۱۳۹۲/۶/۶). در این راستا، دستگاه‌های نظارتی و مراقبتی دولت باید بسیار پویا و به‌هنگام باشند و هر نوع فساد و عوامل مخل استحکام و انتظام‌بخشی را کشف و مرتفع سازند؛ زیرا «فساد همچون موربانه است، با قاطعیت و تدبیر جلوی رخنه فساد، پارتی‌بازی، رشوه و اسراف را بگیرد تا اصولاً نیازی به ورود دستگاه‌های نظارتی به حیطه مدیریتی شما پیش نیاید» (همان).

#### ۵. تدبیر برای اعتلای ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و انقلابی

به موازات اقدامات راهبردی موصوف، یکی از مهم‌ترین تدابیر راهبردی برای استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی اقتدار ملی، تدبیر برای اعتلای ارزش‌های اخلاقی، اسلامی و انقلابی است. تدبیری که باید حیات طیبه اسلامی ایجاد کند: «اسلام همچنین در پی ایجاد جامعه معنوی است. در نظام اسلامی، جامعه، هم عادلانه اداره می‌شود، هم در درون خود جامعه عادلانه است، هم جامعه پیشرفته است، هم جامعه معنوی است؛ یعنی از معنویت سیراب است، برخوردار است؛ معنویتی که موجب می‌شود انسان اهداف حقیر مادی و شهوات روزمره زندگی

را اهداف بلند خود نشمارد؛ هدف‌های والاتری، هدف‌های بالاتری برای او مطرح باشد؛ ارتباط آحاد انسان، ارتباط دل‌ها با خدا، محفوظ باشد؛ این جامعه موردنظر اسلام است» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۶).

#### ۶. دیپلماسی انقلابی

در نهایت، استحکام و انتظام‌بخشی اقتدار ملی بدون دیپلماسی انقلابی مقدور نیست و یکی از نقش‌های مهم و استراتژیک دولت، اتخاذ دیپلماسی پویا و انقلابی در سیاست خارجی است: «ما برای جامعه انقلابی و اسلامی به دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم. پس باید در درجه اول، جهت‌گیری اسلامی حفظ شود و گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات مورد توجه قرار بگیرد. این خط درست دیپلماسی است» (بیانات، ۶۸/۵/۳۱).

#### مقاله پیامدی

در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیمی که نشان‌دهنده اهداف و نتایج ناشی از نقش‌آفرینی دولت در استحکام و انتظام‌بخشی قدرت و امنیت است و از ایفای وظایف و مسئولیت‌های دولت حاصل می‌شود، مقوله پیامدی نام دارد (اسکندری و ثمنی، ۱۳۹۱: ۵۲-۵۳). تحلیل محتوای بیانات رهبر معظم انقلاب نشان داد که برون‌داد مقوله‌های راهبردی در کنار علل زمینه‌ای و عوامل محیطی و میانجی، اقتدار در ابعاد مختلف است که در مجموع، ساختمان اقتدار ملی را از درون و بیرون مستحکم نشان می‌دهد. به‌عنوان نمونه، رهبر معظم انقلاب در خصوص چهره بیرونی نظام می‌فرماید: «یکی از نتایج بسیار مهم قدرت درون‌زای ملی، فراهم‌شدن زمینه برای الگو شدن جمهوری اسلامی ایران برای جهان اسلام است» (بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۲۶) و نیز «عاملی که می‌تواند کشور شما را در مقابل هر افزون‌طلبی، هر انحصارطلبی، هر تجاوز، هر ماجراجویی و هر بحران‌سازی حفظ کند، استحکام و انتظام‌بخشی ساخت داخلی نظام است» (بیانات، ۱۳۸۲/۲/۲۲) و «اگر در عرصه سیاست خارجی، عزت، حکمت و مصلحت به‌درستی فهم و اجرا شود، سیاست خارجی در طراز نظام جمهوری اسلامی خواهد شد» (بیانات، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶).

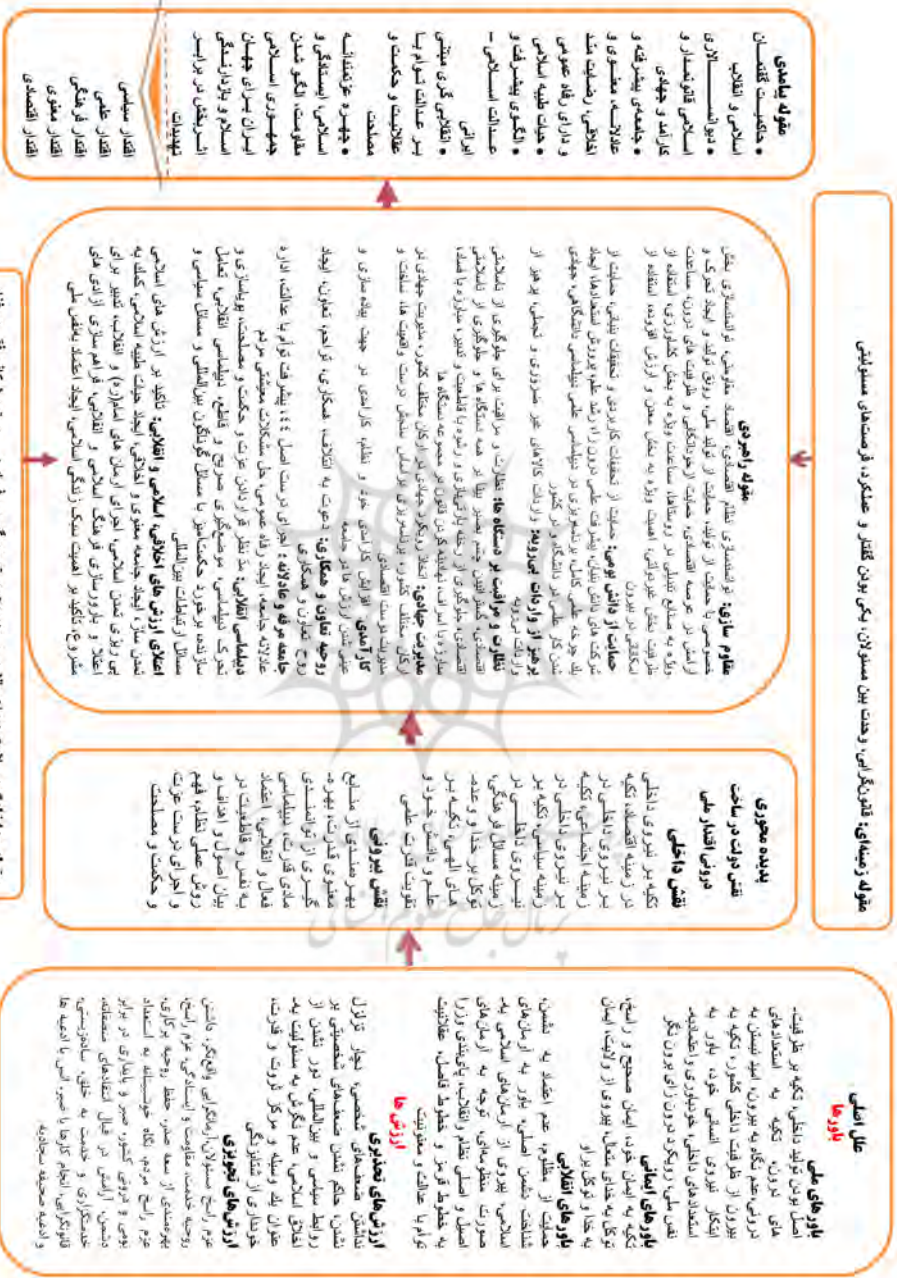


در بعد داخلی نیز معظم‌له انتظار دارند که دولت با نقش‌آفرینی خود، حیات طیبه را در کشور محقق نماید تا از این رهگذر، نظام از هر آفت و آسیب درونی و تهدید بیرونی مصون گردد: «ما فرقدمان با بقیه گروه‌هایی که در کشورهای مختلف می‌آیند یک رژیم را تغییر می‌دهند ... این است که ما آمدیم برای اینکه یک جامعه اسلامی به وجود بیاوریم. ما آمدیم تا حیات طیبه اسلامی را برای کشورمان و برای مردمان بازتولید کنیم؛ آن را تأمین کنیم.» (بیانات، ۱۳۸۷/۶/۱۹). «آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پا بفشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم را ابطال کرده‌است. ما می‌خواهیم و می‌توانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال، متمسک به ارزش‌های اخلاقی خودمان و پای‌بند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرایض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیش‌تر برویم» (بیانات، ۱۳۸۹/۱/۹)؛ بنابراین، «ما مطمئنیم که ساخت مستحکم نظام جمهوری اسلامی و اتحاد ملی و نزدیکی دل‌ها میان آحاد ملت، بزرگ‌ترین بازدارنده است» (بیانات، ۹۰/۸/۱۹).





### الگوی مفهومی نقش دولت در استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت و امنیت



## نتیجه گیری

بررسی بیانات رهبری نشان داد که محکم کردن ساخت حقیقی قدرت، حیاتی ترین راهبرد نظام است. اگر ساخت حقیقی قدرت تقویت و تعمیق نشود، ساخت حقوقی و مادی قدرت سست بنیاد بوده و با کند بادی فرو خواهد ریخت. مهم ترین علل موجه ساخت حقیقی قدرت در باورها، ارزش ها و رفتارها در سطوح کارگزاران و جامعه نهفته است. اولین نقش دولت این است که کارگزاران دستگاه های دولتی، از معرفت دینی عمیق، نظام ارزشی مطلوب و اسلامی و رفتار اخلاقی، عادلانه و با معنویت برخوردار باشند. دولت در عین حال باید زمینه های مؤثر بر استحکام و انتظام بخشی ساخت حقیقی قدرت را فراهم سازد و زمینه های تسهیل کننده را تقویت و شرایط مداخله گر را دفع نماید. به اعتقاد رهبر معظم انقلاب، «علاج ملت ایران در کسب اقتدار است. این اقتدار فقط به معنای اقتدار نظامی نیست؛ باید اقتدار علمی، اقتدار اقتصادی، به دست آوردن قدرت اخلاقی و اجتماعی و بالاتر از همه این ها اقتدار معنوی و روحی که از اتکال به خداوند متعال برای یک ملت حاصل می شود هم کسب کنیم» (بیانات، ۱۳۸۷)

راهبردهایی که رهبر معظم انقلاب برای تعمیق ساخت حقیقی قدرت ارائه داده اند، فقط شامل حوزه فردی و اخلاقی نمی شود بلکه از نظر ایشان، راهبردهای مورد پیگیری دولت در چهار دسته کلی است که در مجموع، به ابعاد مختلف اقتدار منجر خواهد شد.

### ۱. تقویت اقتدار اقتصادی

«تقویت اقتدار اقتصادی به معنای این است که در کشور، بیکاری وجود نداشته باشد؛ اشتغال وجود داشته باشد؛ تولید صنعتی و کشاورزی در حد مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور به نحو بهینه استفاده شود» (بیانات، ۸۰/۲/۲۸). معظم له اقتدار و استقلال اقتصادی را مبنا و لازمه اقتدار و استقلال سیاسی عنوان می کنند: «اگر استقلال اقتصادی یک جامعه ای تحقق پیدا نکرد - یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی پای خود بایستد - استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد» (بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۹۱/۲/۱۰)؛ بنابراین، کار ویژه دولت در بخش اقتصادی، توسعه و تعادل با فراهم کردن زمینه ها و زمینه سازی پیشرفت و عدالت اقتصادی است.

## ۲. تقویت اقتدار علمی

«علم عامل اقتدار است. هر کس که از این اقتدار برخوردار باشد، می‌تواند به همه مقاصد خود دست پیدا کند» (بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). «خود دانش مایه اقتدار است؛ ثروت‌آفرین است، قدرت نظامی آفرین است، قدرت سیاسی آفرین است. یک روایتی هست که می‌فرماید: العلم سلطان؛ علم، قدرت است. من وجده صال به و من لم یجده صیل علیه» (بیانات، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳). «ما اگر علم نداشته باشیم، اقتصادمان، صنعتمان، حتی مدیریت و مسائل اجتماعیمان عقب خواهد ماند» (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۹). «اگر چنانچه ما توانستیم در عرصه علمی، پیشرفت‌هایی را که تا امروز - بحمدالله - به دست آمده‌است، با همین سرعت دنبال کنیم، هم در زمینه مشکلات اقتصادی، هم در زمینه مشکلات سیاسی، هم در زمینه مشکلات اجتماعی، هم در زمینه مسائل بین‌المللی، مطمئناً گره‌گشایی‌های بزرگی خواهد شد» (بیانات، ۱۳۹۲/۵/۶). «یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست‌والا را در دنیای سیاسی حائز شود. اقتصاد هم به دنبال اینها به دست می‌آید؛ پول تابع توانایی‌هاست. امروز این‌طوری است؛ علم را می‌شود به پول تبدیل کرد و از لحاظ اقتصادی هم قوی شد. این جایگاه علم است» (۱۳۸۴/۱۰/۲۹).

## ۳. تقویت اقتدار سیاسی

«اقتدار سیاسی این است که کشور و دولت بتوانند در میدان سیاست در دنیا حضور فعال داشته باشند؛ به آنها تحمیل سیاسی نشود، کسی نتواند به آنها زور بگوید، کسی نتواند در اوضاع سیاسی آنها دخالت کند، کسی نتواند در اوضاع داخلی کشور آنها انگشت ایداء دراز کند. اقتدار سیاسی - که بخشی از اقتدار ملی است - این است که گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی در داخل کشور - چه آنهایی که اسم حزب و گروه دارند، چه آنهایی که اسم گروه و حزب ندارند؛ بسیاری از مجموعه‌های دانشجویی و روحانی و سایر مجموعه‌های گوناگون در کشور ما سیاسی‌اند؛ گرچه حزبی هم ندارند - بتوانند آگاهی‌های سیاسی و تشخیص‌های درست سیاسی پیدا کنند تا در مواقع لازم قادر باشند پشت سر دولت بایستند. اقتدار سیاسی این است که ملت، پشتیبان دولت و تصمیمات مسئولان کشور باشد. این گوشه‌ای از اقتدار سیاسی است» (بیانات، ۱۳۸۰/۲/۲۸).

#### ۴. تقویت اقتدار فرهنگی

اقتدار فرهنگی نظام پویا، پایدار، نافذ و مستقل است که دارای اثربخشی در سطح ملی و فراملی است. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: «اقتدار فرهنگی هم همین‌طور است؛ یعنی از لحاظ فرهنگی، فرهنگ کشور اثرگذار باشد و اثرپذیر نباشد و تهاجم فرهنگی به شکل صحیحی دفع شود» (بیانات، ۱۳۸۰/۲/۲۸). «ارتقای فرهنگ و فکر، عمل دینی است؛ سرچشمه‌ای نیروزا برای همه فعالیت‌هاست. اگر ایمان مردم مستحکم شد، از آنها موجوداتی آسیب‌ناپذیر، خستگی‌ناپذیر، فعال و پرنشاط به وجود می‌آورد؛ اما وقتی ایمان ضعیف شد، همه آفت‌ها به دنبالش می‌آید. پس تقویت ایمان مردم هم یکی از دو کار اصلی‌ای است که دولت و رئیس‌جمهور باید به آن همت گمارند» (بیانات، ۲۸/۲/۱۳۸۰). اگر کار فرهنگی به‌درستی انجام شود و بر ذهن و فکر و عاطفه افراد تأثیرگذار باشد، قطعاً برخی از خلأهای احتمالی در عرصه دیپلماسی یا ارتباطات تجاری اقتصادی پر خواهد شد. اگر کار فرهنگی به‌درستی انجام شود، هیچ عاملی نمی‌تواند کشور را منزوی کند. هرگونه تغییر مسیر فرهنگ از چارچوب نظام اسلامی، موجب برهم خوردن انتظام فکری و هویت واقعی جامعه خواهد شد» (بیانات، ۱۳۹۳/۴/۲۳).

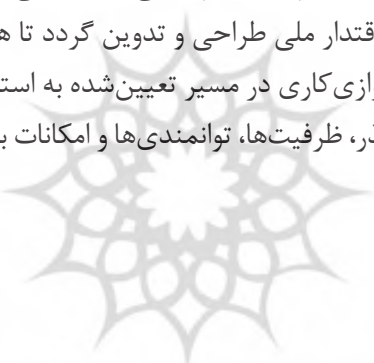
#### ۵. تقویت اقتدار معنوی

«در الگوی اسلامی و معنوی، این اقتدار در درجه اول، متکی به عامل معنوی و ارزش معنوی و الهی است؛ متکی است به ایمان، متکی است به اعتماد به خدای متعال، متکی است به تلاش مخلصانه در راه آرمان‌های بلند و والا؛ نه اینکه به سلاح بی‌اعتنا باشیم، نه اینکه به نظم و تجهیزات و آموزش به چشم بی‌اهمیتی بنگریم؛ همه اینها لازم است؛ اما روح اینها - که اینها به منزله جسم آن و کالبد آن به حساب می‌آیند - عبارت است از احساس تکلیف خدایی، احساس انکال به خدای متعال» (بیانات، ۱۳۸۹/۸/۱۹). «اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی، ایمان است؛ ایمان به خدا، توکل به خدا، حسن‌ظن به خدا. این است که دل را آماده می‌کند برای ورود در میدان‌های دشوار؛ این است که گام‌ها را استوار می‌کند برای پیمودن جاده‌های سخت؛ این است که مشکلات را در چشم‌ها کوچک می‌کند، هدف‌های بزرگ را در اختیار انسان می‌گذارد و در مد نظر او و نگاه او قرار می‌دهد؛ ایمان به خدا. بدون این ایمان، انسان یک قالب مادی است» (بیانات، ۱۳۸۸/۷/۱۴).

آثار و نتایجی که از رهگذر نقش‌های موصوف انتظار می‌رود، عبارت است از: عمق‌یابی گفتمان اسلامی و انقلاب در حوزه معرفتی، تحقق نظام اداری و دیوان‌سالاری اسلامی قانون‌مدار، کارآمد

و جهادی در حوزه دیوان‌سالاری و مدیریت تصمیم‌گیری، ظهور جامعه پیشرفته و عادلانه، معنوی و اخلاقی، رضایت‌مندی و رفاه عمومی و در مجموع، شکل‌گیری حیات طیبه اسلامی در جامعه، تحقق الگوی پیشرفت و عدالت اسلامی - ایرانی در حوزه اقتصادی، داشتن نگرش، روحیه و رفتار انقلابی مبتنی بر عدالت توأم با عقلانیت، حکمت و مصلحت، برخورداری چهره عزت‌مندانه اسلامی و ایستادگی و مقاومت و الگو شدن جمهوری اسلامی ایران برای جهان اسلام در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی و بازدارندگی اثربخش در برابر تهدیدها در حوزه دفاعی و امنیتی.

نظر به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که با توجه به درهم‌تنیدگی عناصر و مؤلفه‌های استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی و پیوستگی و وابستگی متقابل قدرت‌ها و نهادهای نقش‌آفرین در استحکام و انتظام‌بخشی اقتدار ملی، نقشه راه جامع استحکام و انتظام‌بخشی ساخت درونی اقتدار ملی طراحی و تدوین گردد تا هر یک از قوا، نهادها، مراکز و مجموعه‌ها بدون تداخل و موازی‌کاری در مسیر تعیین شده به استحکام و انتظام‌بخشی ساخت مبادرت ورزیده و از این رهگذر، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و امکانات به صورت هم‌افزا عمل نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع فارسی

- اخضریان (۱۳۹۲/۶/۲۵)، "عناصر قدرت آفرین در ساخت درونی نظام"، قابل دسترسی در: <http://farsi.khamenei.ir>
- استراس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۰)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم
- اسکندری، مجتبی؛ ثمنی، اسماعیل (۱۳۹۱)، "طراحی و تبیین الگوی پیروی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از منظر امام خمینی (ره)"
- حسن خانی، محمد و سعیدی، روح‌الأمین (۱۳۹۳)، "رسانه و نقش آن در استحکام ساخت درونی انقلاب اسلامی: رویکردی گفتامی"، پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ششم، پاییز و زمستان
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴)، "تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی"، دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشور (رفتار)، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، تیر
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۶۸)، اقتصاد ایران، تهران: نشر نی
- شماعی کوپائی، میلاد و اسمعیلی گیوی، محمدرضا (۱۳۹۳)، "مدل پارادایمی مدیریت جهادی استفاده از نظریه داده بنیاد"، چشم انداز مدیریت دولتی، شماره ۱۹، پاییز
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳)، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی
- فاضل، رضا (۱۳۸۹)، مبانی جامعه‌شناسی براساس کتاب بروس کوئن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات سیمیا
- کلاکی، حسن (۱۳۸۷)، "نظریه بنیادی به مثابه روش نظریه پردازی"، نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۶، ص ۱۲۷
- کورز، اسکار (۱۳۸۳)، "بنیان‌های سیاست‌های توسعه اقتصادی"، ترجمه ابراهیم عباسی، راهبرد، شماره ۲۹
- گی روشه (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه انتشاراتی تبیان
- مؤسسه فرهنگی - هنری قدرولایت (۱۳۸۹)، ساخت حقیقی و حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات قدرولایت
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۹۴)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات آگه
- وبر، ماکس (۱۳۷۴)، اقتصاد و جامعه، ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران، مولی
- وینسنت، اندرو (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشریه، تهران، نشر نی
- یاراحمدی خراسانی، مهدی (۱۳۹۳/۱/۵)، "ابعاد و مؤلفه‌های مدیریت جهادی"، قابل دسترسی در: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir) - <https://www.rasekhoon.net>